



Analysis of Metamorphic Components in Ibn Arabshah's Translation of Marzbannameh Relying on the Pattern of Vinay and Darbelnet

Solmaz Ghaffari 

Ph.D. Student in Arabic Language and Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Sayed Mahdi Masboogh *

Professor, Department of Arabic Language and Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Sedigheh Zoodranj 

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Abstract

The close connection between Persian and Arabic language and literature has led to numerous exchanges between the two languages. Among them is the translation of Saad al-Din Varavini's book "Marzbannameh" by Ibn Arabshah in the ninth century. Ibn Arabshah has taken an adaptive and free approach in his translation and tried to disguise his translation by creating a metamorphosis and recreating the original text. The present study is based on the model of Vinay and Darbelnet and aims to evaluate the quality of Ibn Arabshah's translation and explain his use of the components of adapted translation. Due to the wide volume of the book, its fifth chapter was examined as a body of research. The result of the research showed that "Fakheh al-Khalifa" is an adapted translation of Marzbannameh and the translator has made the translation language normal by substituting simple expressions instead of complex structures, increasing and decreasing the meaning of words, and using equivalents in the target language. In adapting his translation to the model of Vinay and Darbelnet, it was also found that the translator has presented another metamorphosis of the precious work of "Marzbannameh" through indirect translation and using the techniques of transposition, modulation, equivalence, and adaptation. He brought the target text closer to the horizon of the Arabic-speaking reader in a way that, in addition to providing a readable context, enabled the Arabic-speaking reader to communicate well with the text.


Keywords: Marzbannameh, Fakheh al-Khalifa, Translation, Transformation Components, Vinay and Darbelnet Model.


- The Present Paper is Adapted from a Ph.D. Thesis on Arabic Language & Literature, Bu-Ali Sina University.


* Corresponding Author: smm@basu.ac.ir

How to Cite: Ghaffari, S., Masboogh, S.M., Zoodranj, S. (2021). Analysis of Metamorphic Components in Ibn Arabshah's Translation of Marzbannameh Relying on the Pattern of Vinay & Darbelnet. *Translation Researches in the Arabic Language & Literature*. 11 (24). 9-37. doi: 10.22054/rctall.2021.59673.1548.

بازشناسی مؤلفه‌های دگردیسی در ترجمه ابن عرب‌شاه از مرزبان‌نامه با تکیه بر الگوی وینه و داربلنه

سولماز غفاری  دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

سید مهدی مسبوق  * استادی، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

صدیقه زودرنج  استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

چکیده

ترجمه، بازسازی و بازآفرینی یک متن در زبانی دیگر است که مستلزم تسلط کامل مترجم به عناصر و دلالت‌های درون و برون زبانی متن مبدأ و نیز دلالت‌ها و نشانه‌های متنی و غیرمتنی زبان مقصد است و به معادل‌یابی و انتقال واحدها و صورت‌های زبانی محدود نمی‌شود. ارتباط تنگاتنگ میان زبان فارسی و عربی باعث دادوستدهای پرشماری بین این دو زبان شده که از جمله آن‌ها ترجمه کتاب «مرزبان‌نامه» سعدالدین وراوینی توسط ابن عرب‌شاه در سده نهم است. ابن عرب‌شاه در ترجمه خود، رویکردی اقتباسی و آزاد اتخاذ کرده و کوشیده با ایجاد دگردیسی و بازآفرینی متن اصلی بر ترجمه خود، لباس تألیف ببوشاند. پژوهش پیش‌رو با تکیه بر الگوی وینه و داربلنه و با هدف ارزیابی و کیفیت‌سنجی ترجمه ابن عرب‌شاه و تبیین میزان بهره‌گیری او از مؤلفه‌های ترجمه اقتباسی سامان یافته است. با توجه به گستردگی حجم کتاب، باب پنجم آن به عنوان پیکره پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. برآیند پژوهش نشان داد که «فاکهة الخلفاء» ترجمه‌ای اقتباسی از مرزبان‌نامه است و مترجم با کاربست معادل‌های همسو با زبان مقصد، جایگزین کردن عبارات ساده به جای ساختارهای پیچیده، افزایش و کاهش معنای واژگان، زبان ترجمه را عادی و طبیعی کرده است. در تطبیق ترجمه ابن عرب‌شاه با الگوی وینه و داربلنه نیز مشخص شد که مترجم از رهگذر ترجمه غیرمستقیم و با بهره‌گیری از تکنیک‌های جابه‌جایی، تغییر بیان، معادل‌یابی و اقتباس، دگرگفتی دیگر از اثر گرانسنگ «مرزبان‌نامه» ارائه داده است. مؤلفه جابه‌جایی پربرسام‌ترین مؤلفه است و دو مقوله اطناب و افزوده‌سازی بیشتر در سطح عبارت و جمله به کار رفته و اطناب‌گویی باعث شده در مجموع حجم فاکهة الخلفاء نسبت به مرزبان‌نامه افزایش یابد. مؤلفه تغییر بیان پس از جابه‌جایی، پرکاربردترین مؤلفه است.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، الگوی وینه و داربلنه، مؤلفه‌های دگردیسی، مرزبان‌نامه، فاکهة الخلفاء.

– مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا است.

* نویسنده مسئول: smm@basu.ac.ir

مقدمه

ترجمه، نوعی پردازش و بازنویسی مجدد متن اصلی است؛ چراکه مترجم به منظور درک بهتر محتوای متن، ابتدا آن را تحلیل می‌کند و در مرحله بعد، محتوا را با نزدیک‌ترین معادل طبیعی زبان مقصد بیان می‌کند و این امر مستلزم آشنایی مترجم با تعدیل‌های معنایی و ساختاری و الگوهای زبانی هر دو زبان است.

پیوند ژرف و تنگاتنگ میان زبان عربی و فارسی باعث خلق ترجمه‌های پرشماری از عربی به فارسی و برعکس شده که زمینه مناسبی برای پژوهش فراهم می‌آورد. حوزه ترجمه میان این دو زبان از دیرباز تا کنون از رونق بسزایی برخوردار بوده است. نکته‌ای که در بسیاری از ترجمه‌های کهن عربی به فارسی و به عکس خودنمایی می‌کند، خروج این متون از مفهوم ترجمه و سیر آن به سوی مفهوم تألیف است. برای این موضوع، عوامل تاثیرگذار فرهنگی، فکری، اجتماعی و تاریخی زیادی می‌توان در نظر گرفت. در مجموع چنین رویکردی سبب جاودانگی و بقای این گونه متون شده و آن‌ها را از گزند نابودی در امان داشته است؛ چراکه در غیر این صورت اثری برابر با متن مبدأ به عنوان اثری دسته دوم به سوی نابودی گام برمی‌داشت. آنچه در این پژوهش بیشتر مورد توجه است، آشکار کردن مفهوم تألیف‌مداری در قالب رویکردی ترجمه‌ای است که امروزه از آن تحت عنوان بازنویسی و یا دگردیسی یاد می‌شود؛ رویکردی که تا حدود زیادی مغفول مانده و اهمیت آن نادیده انگاشته شده است. امروزه نظریه‌ها و رویکردهای نقدی ترجمه، امکان مقایسه متن اصلی با متن ترجمه شده را فراهم کرده است؛ از جمله همین نظریه‌ها نظریه کاربردی وینه و داربلنه^۱ است که پژوهش‌های کم‌شماری در قلمرو این نظریه در ایران به ویژه در نقد ترجمه‌های فارسی به عربی صورت گرفته است. پژوهش پیش‌رو درصدد است با تکیه بر الگوی وینه و داربلنه به بازشناسی مؤلفه‌های دگردیسی در ترجمه عربی ابن عرب‌شاه از مرزبان‌نامه پردازد تا از این رهگذر به پرسش‌های زیر پاسخ گوید:

- چه نشانه‌ها و مؤلفه‌هایی در ترجمه ابن عرب‌شاه دیده می‌شود که براساس آن بتوان آن را ترجمه‌ای اقتباسی همراه با دگردیسی به‌شمار آورد؟
- دلایل کارایی مؤلفه‌های الگوی وینه و داربلنه برای شناخت رویکرد اقتباسی ترجمه ابن عرب‌شاه چیست؟

- کدام‌یک از مؤلفه‌های الگوی وینه و داربلنه در ترجمهٔ باب پنجم مرزبان‌نامه ظهور و نمود بیشتری دارد؟

۱. پیشینهٔ پژوهش

درخصوص تأثیرپذیری فاکهة‌الخلفاء از مرزبان‌نامه و ترجمه دانستن آن، پژوهش‌های کم-شماری صورت گرفته که از آن جمله است: مقالهٔ افراسیابی (۱۳۸۲) با عنوان «مرزبان‌نامه، نکته‌های تازه پیرامون تألیف، ترجمه و تحریر روضة‌العقول، محمد غازی ملطیوی و مرزبان-نامه سعدالدین وراوینی» است که در آن نویسنده نخست کتاب مرزبان‌نامه و روضة‌العقول را معرفی کرده، سپس با ذکر چند نمونه به مقایسهٔ کلی بخش‌ها و ابواب فاکهة‌الخلفاء و مفاکهة‌الظرفاء با روضة‌العقول و مرزبان‌نامه می‌پردازد و ترجمه بودن کتاب فاکهة‌الخلفاء را صرفاً با استناد به گفته‌های دیگران تا حدودی تبیین می‌کند. در حالی که مقالهٔ حاضر در پرتو الگوی وینه و داربلنه و با جست‌وجوی مؤلفه‌های دگردیسی در ترجمه ابن عربشاه، می‌کوشد میزان بهره‌گیری مترجم را از مؤلفه‌های غیرمستقیم نشان دهد.

قاسمی‌آرانی (۱۳۹۵) در مقالهٔ «رویکرد تحلیلی- تطبیقی بر داستان «بهرام‌گور» در مرزبان‌نامه و فاکهة‌الخلفاء و مفاکهة‌الظرفاء» پس از معرفی دو اثر یادشده، حکایت بهرام‌گور را انتخاب و نقاط اشتراک و افتراق این داستان را در دو اثر یادشده تبیین کرده است.

در خصوص نقد ترجمهٔ فارسی به عربی براساس الگوی وینه و داربلنه نیز می‌توان به مقالهٔ حیدری (۱۳۹۸) با عنوان «تغییر بیان و فاخر‌گویی در ترجمهٔ از فارسی به عربی براساس نظریهٔ وینه و داربلنه» اشاره کرد. در این مقاله، نویسنده ضمن تبیین نظریه، روی دو مولفه تغییر بیان و معادل‌یابی متمرکز بوده و با کیفیت‌سنجی برگردان نمونه‌هایی از ترجمه‌های فارسی به عربی در پایان روش‌های بیان جایگزین و فاخر‌گویی را جهت ارائه ترجمه‌ای خوب پیشنهاد کرده است.

پژوهش حاضر می‌کوشد ضمن شناسایی مؤلفه‌های ترجمهٔ اقتباسی و تبیین فرآیند بازآفرینی و دگردیسی در ترجمهٔ ابن عربشاه، میزان کارایی مؤلفه‌های مطرح در الگوی وینه و داربلنه را در این نوع ترجمه مورد نقد و سنجش قرار دهد.

۲. نگاهی به کتاب مرزبان‌نامه و فاکهة الخلفاء

ترجمه متون ادبی یکی از پویاترین جریان‌های ادبی در دوران کهن بوده است. آثار پرشماری در ژانرهای مختلف از عربی به فارسی و برعکس ترجمه شده‌اند که از جهت ادبی سبک‌ساز و تأثیرگذار بوده‌اند. «مرزبان‌نامه» کتابی است مشتمل بر حکایات، تمثیلات و افسانه‌های حکمت‌آمیز که به طرز و اسلوب کلیله و دمنه از السنه وحوش، طیور، دیو و پری فراهم آورده‌اند. ظاهراً اصل این کتاب در اواخر قرن چهارم هجری به لهجه قدیم طبرستانی در مازندران تألیف شده و وضع آن منسوب است به اسپهبد مرزبان بن رستم بن شروین پیرم از شاهزاده‌های آل باوند که به زبان طبری نوشته شده است» (قزوینی، ۱۳۱۰). «این اثری که امروزه در دسترس ماست، بازنگاشته‌ای از همان کتاب اصلی است که به وسیله سعدالدین وراوینی در فاصله سال‌های ۶۱۷ تا ۶۲۲ فراهم آمده است» (درستی، ۱۳۸۱). «این کتاب، در بردارنده داستان‌ها و حکایت‌های بسیار کهن می‌باشد و باور بر این است که این کتاب در اصل به یکی از گویش‌های فارسی میانه و آن‌طوری که وراوینی می‌گوید به زبان طبری کهن تألیف شده است که دو بار به‌طور جداگانه توسط سعدالدین وراوینی و محمد بن غازی ملطیوی به نثر فنی فارسی دری برگردانده شده است. ملطیوی نام اثر خود را «روضه‌العقول» نهاده است» (رضایی، ۱۳۸۹).

مرزبان‌نامه نیز همچون دیگر آثار سترگ ادبیات فارسی، توسط «شهاب‌الدین احمد بن ابومحمد معروف به ابن عربشاه» (۷۹۱-۸۵۴ هجری قمری) کاتب ایرانی تبار دربار سلطان بایزید به عربی ترجمه شده است. وی این کتاب را پس از ترجمه در سال ۸۵۲ قمری «فاکهة الخلفاء و مفاکهة الظرفاء» نامید. مسأله‌ای که در این خصوص قابل تأمل است، نظر برخی تاریخ‌نگاران و منتقدان است که شماری این کتاب را ترجمه و تحریری از مرزبان‌نامه می‌دانند و برخی دیگر آن را اثری مستقل به قلم ابن عربشاه دانسته‌اند. حسن عاصی در مقدمه «فاکهة الخلفاء» می‌گوید: «اصل این کتاب از مرزبان‌نامه است که سپهبد مرزبان بن شروین از ملوک پاوند آن را به طبری نوشت» (ابن عربشاه، ۱۴۱۵). احمد امین نیز در کتاب ضحی-الاسلام می‌گوید: «ابن عربشاه کتاب فاکهة الخلفاء و مفاکهة الظرفاء را از متن فارسی مرزبان‌نامه ترجمه کرده است» (امین، ۱۲۹۵). در مجموع می‌توان گفت: نقاط اشتراک کتاب مرزبان‌نامه و فاکهة الخلفاء بسیار است؛ زیرا جوهره معانی آن‌ها یکی است. نام باب‌ها، عناوین حکایت‌ها،

ذکر آیات قرآن، اشعار عربی، شخصیت‌ها، مؤلفه‌های مشترک فرهنگی و... همه و همه نشان-دهنده ترجمه بودن فاکهة الخلفاء است. این دو کتاب، همگونی‌ها و ماندگی‌های بسیاری دارند و این همگونی‌ها هرگز نمی‌تواند تصادفی باشد. اطناب موجود در ترجمه ابن عرب‌شاه و افزوده‌سازی‌های وی، نحوه بیان و ارائه معانی از جهات مختلف لفظی و معنوی و تفاوت در شماره حکایت‌ها باعث شده که این کتاب میل به تألیف‌مداری یا همان ترجمه اقتباسی یابد. از این رو، غنیمی هلال آن را ترجمه‌ای اقتباسی از مرزبان‌نامه دانسته است. (ر.ک: غنیمی هلال، ۱۳۷۳). محمد غفرانی خراسانی نیز در کتاب خود با عنوان «عبدالله بن المقفع» فاکهة الخلفاء را ترجمه مرزبان‌نامه سعدالدین و راوینی دانسته است (ر.ک: غفرانی، ۱۹۶۵).

۳. معرفی الگوی وینه و داربلنه

در میانه سده بیستم میلادی دو نظریه پرداز کانادایی با نام‌های ژان پل وینه و ژان داربلنه^۱ براساس الگوهای زبان‌شناختی به توصیف روش‌های مورد استفاده در برگردان متن‌هایی از زبان‌های فرانسه و انگلیسی و در حوزه تحلیل ساختاری مقابله‌ای، بین این دو زبان پرداختند. «شهرت ژان پل وینه زبان‌شناس و نظریه‌پرداز ترجمه، بیش از همه مدیون روش‌های هفتگانه ترجمه متون ادبی است که با همکاری ژان داربلنه در کتاب «سبک‌شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی: روش ترجمه» مطرح کرده است» (کمالی، ۱۳۹۳). «این دو نظریه‌پرداز معتقدند هر زبانی روح مختص به خود را داراست که به شکلی نظام‌مند زبان را وامی‌دارد تا به شیوه‌ای خاص، خود را ابراز کند» (فاست، ۱۳۹۷). از جمله این ویژگی‌ها، وجود برخی مختصات سبکی یا تفاوت‌های معنایی ظریف است که اجازه نمی‌دهد متن مبدأ را بدون تغییر به زبان مقصد انتقال داد. در نظر آن‌ها، ترجمه، فرآیندی پیچیده است که مترجم در انجام آن تکنیک‌های گوناگونی را ناخودآگاه به کار می‌گیرد. علاوه بر این، متفاوت بودن هنجارهای یک زبان با زبان دیگر باعث چرخش در ساختار زبان مبدأ می‌شود که مترجم باید چگونگی به کار گرفتن این چرخش‌ها را درون متن به درستی به کار گیرد. در واقع مترجم می‌کوشد زبان متن را به قدری طبیعی جلوه دهد که خواننده با توجه به مقتضای حال خود به درک درستی از آن متن برسد. وینه و داربلنه در الگوی موردنظر خود دو روش را پیشنهاد می‌کنند: «۱- ترجمه مستقیم شامل وام‌گیری یا قرض‌گیری، گرت‌برداری یا ترجمه قرضی و ترجمه

1- Viney, J. & Darbelent, J.

واژه‌به‌واژه یا ترجمه تحت‌اللفظی و ۲- ترجمه غیرمستقیم شامل فرانهمش (تغییر بیان یا مدولاسیون)، دگرگونی (جاب‌جایی یا تغییر صورت)، معادل‌یابی و انطباق (هماندسازی یا اقتباس). هریک از این مؤلفه‌ها را می‌توان در سطوح مختلف زبان اعم از واژه، دستور و متن به کار برد» (همان). یک متن می‌تواند اطلاعاتی ضمنی، درون خود داشته باشد که به صراحت بیان نشده باشد. مترجم با توجه به فضای معنایی متن در برخی موارد اطلاعات ضمنی را در زبان مقصد بیان می‌کند که خود به عادی شدن زبان می‌انجامد و سطح شفافیت متن را برای خوانندگان بالا می‌برد.

آنچه مسلم است کارایی الگوی وینه و داربلنه برای ترجمه متون ادبی نظیر حکایت‌های مرزبان‌نامه است که با آفرینش مجدد و دگردیسی همراه است. چنین ویژگی نشان از تحول-پذیری این حکایات و عدم وابستگی به صورتی واحد و خوانش متعدد در همه ادوار و زبان‌ها دارد که به مترجم این امکان را می‌دهد که در فرآیند ترجمه به دگرگشت‌ها و تغییرات متناسب با زبان مقصد دست یازد.

۴. دگردیسی یا ترجمه اقتباسی

مترجم برای رهایی از قید و بند الفاظ، ساختارها و غرابت‌های زبان مبدأ به رویکرد آزاد، روی می‌آورد. از دیدگاه صلح‌جو، خواندن ترجمه‌های تحت‌اللفظی بسیار دشوارتر از آزاد است (صلح‌جو، ۱۳۷۷). جهت‌گیری ترجمه آزاد به سمت خواننده است، چراکه این نوع ترجمه به انتقال پیام و مفهوم می‌پردازد نه انتقال الفاظ. «این رویکرد در ترجمه بیشتر به کاربرد صحیح ویژگی‌های ساختاری، واژگانی و معنایی زبان مقصد توجه دارد و دارای چهار سطح: انطباق، ترجمه آزاد، ترجمه ارتباطی و ترجمه اصطلاحی است» (معصوم، ۱۳۸۹). روش‌های مطرح شده همگی یک وجه مشترک دارند و آن ترجمه پویا است؛ یعنی ترجمه‌ای که در مخاطب همان واکنش خواننده متن اصلی را ایجاد کرده و با او ارتباط برقرار کند. «وینه و داربلنه نیز ترجمه پویا را روشی می‌دانند که همان موقعیت زبان اصلی را به وجود می‌آورد؛ در حالی که از واژگانی متفاوت استفاده می‌شود» (همان). مترجم در ترجمه اقتباسی، پیام را از قالب زبان مبدأ خارج و آن را در قالب زبان مقصد بازآفرینی می‌کند و با تغییر صورت کلام می‌کوشد خواننده به پیام مطلوب دست یابد و همواره خواننده مقصد را مدنظر قرار می‌دهد.

۵. معرفی باب پنجم مرزبان‌نامه

محتوای باب پنجم شامل؛ عیب‌پوشی، تواضع، رازداری، دوری از عتاب و سرزنش، قضا و قدر و ... است. عنوان این باب در مرزبان‌نامه «در بارهٔ دادمه و دادستان» است. تعداد داستان‌ها در این باب شش داستان شامل داستان «دزد با کیک، نیک‌مرد با هدهد، خسرو با ملک دانا، بزرجمهر با خسرو، مرد بازرگان با زن خویش، رای هند با ندیم» است. عنوان باب پنجم در فاکهة الخلفاء «فی نوادر ملک السباع و ندیمه أمير التعلاب و کبير الضباع» و شامل ۱۰ داستان است: «نوادر ملک السباع، قصة الحرامی مع الطامر، قصة الهدهد، قصة ابراهیم بن سلیمان بن عبدالمملک، قصة کسری و وزیر بزرجمهر، قصة صفح الملك عن السفاح بن الموذی، حکایة التاجر البلخی، ندیم فغفور الختن، قصة الخارج علی الملك أنوشروان، مفاوضة بين القلق و العصفور». عنوان برخی از داستان‌ها و شخصیت‌های آن و حتی تعداد داستان‌ها در دو کتاب کمی با هم تفاوت دارند، اما عناوین، محتوا و موضوع بسیاری از داستان‌ها دقیقاً یکی است. وجود این اختلاف‌ها نیز صرفاً نشأت گرفته از رویه‌ای است که مترجم با هدف دگردیسی و گرایش به تألیف‌مداری در پیش گرفته است. کاربرد یکسان بسیاری از آیات قرآن، ابیات، عبارات‌ها و اصطلاحات در باب پنجم هر دو کتاب مؤید این مدعاست.

۶. مؤلفه‌های چهارگانه وینه و داربلنه

در ادامه چهار عنوان اصلی می‌آوریم که در هر عنوان رویکرد و شگردهای مترجم در انتخاب این راهکارها و به‌کارگیری آن مورد توجه قرار می‌گیرد. در کتاب‌ها و مقاله‌های فارسی برای هر یک از مؤلفه‌های الگوی غیرمستقیم وینه و داربلنه معادل‌های مختلفی به این شرح آمده است: ۱- جابه‌جایی (تغییر صورت، ترانهش، دگرگونی و عقلایی‌سازی)، ۲- تغییر بیان (تلفیق، امتزاج، فرانهمش و مدولاسیون)، ۳- معادل‌یابی (تعادل و تعدیل)، ۴- اقتباس، انطباق، همانندسازی. علاوه بر این، هریک از مؤلفه‌ها چندین محور و موضوع قابل بحث دارد که بررسی و ارزیابی تمام محورها در این جستار نمی‌گنجد. بنابراین، سعی شده موارد کاربردی و پربسامد گزینش و مورد تحلیل قرار گیرد.

۱-۶. جابه‌جایی

متداول‌ترین تغییر ساختاری، «جابه‌جایی» است که جهت طبیعی‌سازی متن توسط مترجم صورت می‌گیرد و از جلوه‌های مهم بازنویسی در متن به‌شمار می‌آید. مترجم براساس اختیاراتی که در فرآیند ترجمه دارد، البته با در نظر گرفتن اشراف و تسلط کافی بر هر دو زبان مبدأ و مقصد، می‌تواند در راستای انتقال مفهوم تصمیم بگیرد و دست به جابه‌جایی ارکان جمله بزند که این فرآیند خود می‌تواند کار مترجم را نسبت به دیگران متمایز سازد. جابه‌جایی به معنای تغییر صورت و شامل حرکت از یک طبقه دستوری و گرامری به طبقه‌ای دیگر است. مترجم با تغییر در ساختار و فرم زبان بدون اینکه معنا و مفهوم متن عوض شود، تحولی در این زمینه ایجاد می‌کند. از نظر وینه و داربلنه «در جابه‌جایی، لغت زبان مبدأ به لغتی از زبان مقصد که از طبقه واژگانی دیگری است برگردانده می‌شود» (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵). با توجه به گفته جولیان هاوس^۱ که اذعان دارد «موارد بسیاری هستند که در آن مترجم باید مرتب به تبدیل‌های ترجمه‌ای دست بزند، این موارد شامل دور شدن از تناظر صوری در فرآیند حرکت از یک زبان به زبان دیگر با استفاده از تغییر دادن دستور زبان واژگان می‌شود» (بهرامی، ۱۳۸۴).

محورهای مؤلفه جابه‌جایی را می‌توان در قالب دو مقوله فعلی و اسمی دسته‌بندی کرد.

۱-۱-۶. جابه‌جایی در مقوله‌های فعلی

۱-۱-۱-۶. جابه‌جایی در فعل معلوم به مجهول

متن مرزبان‌نامه: سه عادت از عادات جاهلان است (وراوینی، ۱۳۷۶)

ترجمه عربی: إِعْلَمَ يَا ذَا الْكِرَامَاتِ أَنَّ الْجَاهِلَ يُعْرِفُ بَثَلَاتِ عِلْمَاتِ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۲-۱-۱-۶. جابه‌جایی از فعل به اسم

متن مرزبان‌نامه: خود را در مقاسات آن شریک گرداند (وراوینی، ۱۳۷۶)

ترجمه عربی: المشاركةُ في النوائبِ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۱-۱-۳. جابه‌جایی در ترجمه زمان فعل‌ها

متن مرزبان‌نامه: بزرجمهر مشاهده می‌کرد و پوشیده می‌داشت (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: شَاهِدُ بَرْجَمِهْرُ هَذَا الْأَمْرَ فَمَا أَبْدَاهُ وَلَا أَنْهَاهُ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۱-۲. جابه‌جایی در مقوله‌های اسمی

۶-۱-۲-۱. جابه‌جایی در جمله انشائییه به خبریه

متن مرزبان‌نامه: کی پسندد که راز من آشکارا کند؟! (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: فَلَا يُقْصَدُ عِثْرَتِي وَلَا يُكْشَفُ سِرِّي (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۱-۲-۲. جابه‌جایی از اسم به فعل

متن مرزبان‌نامه: یکی چون بازیگران که گاه تعلیم از نردبانِ هوا بر سطحِ دجله معلق زنند (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: ثُمَّ طَلَبْتُ طَائِفَةً مِنَ الْبَطِّ لِتَلْعَبَ قُدَامَهُ فِي الْبَرِكَةِ وَ تَنْغَطُ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)
(۱۴۲۱) ۲۵۴.

۶-۱-۲-۳. جابه‌جایی در ترجمه نکره به معرفه

متن مرزبان‌نامه: زبانی که برو کذب نرود (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: كَانَ اللِّسَانُ غَيْرَ كَذُوبٍ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱) (۱۴۲۱)

۶-۱-۲-۴. جابه‌جایی در ترجمه اسم جمع به مفرد

متن مرزبان‌نامه: مکیدت دشمنان و سگالشِ خصمان در پرده نهانی کارگرتر آید (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: رَبِّمَا يَفُوتُ الْمَقْصُودُ أَوْ يُسَابِقُهُ بِالْمَعَاكِسَةِ عَدُوٌّ أَوْ حَسُودٌ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۱-۲-۵. جابه‌جایی در ترجمه اسم مفرد به جمع

متن مرزبان‌نامه: دادمه گفت: عرضی که از عیب پاک است (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: فَقَالَ أَبُو نُوْفَلٍ: تَتَّقِي الْعِرْضَ مِنَ الْعِيُوبِ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۱-۲-۶. افزوده‌سازی

متن مرزبان‌نامه: این راز با او بگفت پس شبی قضا بر جان او شیبخون آورد و بر ...
(وراوینی، ۱۳۷۶)

ترجمه عربی: ثُمَّ أَدْنَىٰ فَاهُ حَتَّىٰ وَافَاهُ وَقَالَ يَا أَبَا طَامِرٍ وَكَاتَمَ السِّرَّ فِي السَّرَائِرِ، إِنِّي عَزَمْتُ كَالْمُنْهَمِكِ عَلَى الدَّخُولِ إِلَى خَزَائِنِ الْمَلِكِ لِاسْتَصْفِيهَا وَأَخَذَ مَا فِيهَا، فَكُنْتُ هَذَا السِّرَّ عَنِّي وَامْصُصْ مَا شِئْتَ مِنَ الدَّمِ مِنِّي ثُمَّ طَرَحَ فِي سِرَاوِيلِهِ وَاسْتَمَرَ فِي نَيْتِهِ عَلَيَّ أَبَاطِيلَهُ. ثُمَّ قَصَدَ فِي بَعْضِ اللَّيَالِي مَا كَانَ يَخْلُو بِهِ... (ابن عربشاه، ۱۴۲۱).

۶-۱-۲-۷. ایجاز

متن مرزبان‌نامه: دانی که چون بخت برگردد، هرچه نیکوتر اندیشی بتر در عبارت آید... و برعکس آن چون اقبال یاوری کند، اگرچه گوینده از اهلیت سخن گویی بهره زیادت ندارد رکیک تر سخنی از وی محکم و متین نماید (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی:

و إِذَا تَوَلَّى الْجَدُّ يَحْتَاجُ الذِّكْرِي فِي رَأْيِهِ قَبْلَ الزَّوَالِ مَرَاحًا
و إِذَا السَّعَادَةُ لَاحِظَتْكَ عَيْونَهَا نِمَ فَالْمَخَافَةُ كُلُّهُنَّ أَمَانًا

(ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۱-۲-۸. اطناب

متن مرزبان‌نامه: إِعَادَتِ آن صُورَتِ نِظِيرِد (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: لَا يُمَكِّنُ رُدُّهُ وَلَا وَقُوفُهُ وَصَدَّهُ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۱-۲-۹. جابه‌جایی در ترجمه اسم به قید

متن مرزبان‌نامه: من همین ساعت بخدمت ملک روم (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: هَآ أَنَا أَذْهَبُ عَلَيَّ الْفُورِ لِهَذَا الْمَطْلَبِ النَّافِعِ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱).

بر همین اساس گفته‌اند: «مترجم با توجه به نظم گفتمان مقصد، جملات و زنجیره جملات را باز تولید و مرتب می‌کند و به نظم درمی‌آورد؛ به عنوان مثال، مترجم برای جملاتی که در

متن مبدأ بدون فعل‌اند، فعل می‌آورد، جملات بلند را کوتاه می‌کند و به اصطلاح جملات را می‌شکند و یا جملات معترضه را جابه‌جا و یا اضافه و کم می‌کند» (مهدی‌پرور، ۱۳۸۹). بنابراین، مترجم در این مؤلفه با صورت و ظاهر کلمات سروکار دارد. داستان «دادمه و دادستان» (اسم دو شغال) از جمله مصداق‌های جابه‌جایی است. در خلال گفت‌وگویی که این دو شغال باهم دارند، دادمه به خطایی که مرتکب شده اعتراف می‌کند و معتقد است حرفی را که نباید می‌زدم بر زبان جاری ساختم و متأسفانه فرصتی برای جبران آن نیست.

وراوینی در این رابطه می‌نویسد: «لیکن سخن که از دهان بیرون آمد و تیر که از قبضه کمان گذر یافت، اعادت آن صورت نپذیرد» (وراوینی، ۱۳۷۶)

ابن عربشاه می‌گوید: «واللفظُ عن غیرِ نظرٍ کالسَّهمِ إذا رُمی عن الوترِ لایمکن ردُّه و لا وقوفُه و صدُّه» (ابن عربشاه، ۱۴۲۱: ۲۲۱).

شاهد مورد نظر در این بخش، ترجمه فعل «گذر یافت» است که ابن عربشاه فعل معلوم را با استفاده از تکنیک جابه‌جایی به صورت مجهول «رُمی عن الوتر» برگردانده است. در بخش آخر این نقل قول؛ یعنی «اعادت آن صورت نپذیرد» و «لایمکن ردُّه و لا وقوفُه و صدُّه» نیز نوع دیگری از جابه‌جایی صورت گرفته است؛ به این صورت که ابن عربشاه با یک جابه‌جایی دستوری، اطناب ایجاد کرده و با نوعی توضیح و تفسیر وارد متن مقصد شده و با ذکر عبارت «و لا وقوفُه و صدُّه» آن را طولانی‌تر کرده است. در هر دو نمونه فوق، مترجم صورت را جهت دریافت پیام دستکاری کرده و از مؤلفه جابه‌جایی بهره برده است. ابن عربشاه در مقام مترجم، صورت را کم، زیاد، متفاوت و گاهی حذف می‌کند تا همان تاثیر متن مبدأ بر خواننده ایجاد شود.

به نمونه دیگر جابه‌جایی در همین داستان می‌پردازیم؛ دادستان در رابطه با توصیه‌ای که به دادمه می‌کند، سه عادت را از ویژگی‌های نادانان می‌داند: خود را بی‌عیب داشتن، دیگری را از نظر دانش و علم از خود فروتر دیدن و سوم به دانش خود مغرور بودن. وراوینی در مورد خصلت سوم این‌گونه می‌گوید:

«سوم: به علم خویش خرم بودن و خود را بر قدم انتها داشتن» (وراوینی، ۱۳۷۶)
ابن عربشاه: «الثالثة: أن يرى أنه انتهى في فنون العلم والنهي» (ابن عربشاه، ۱۴۲۱).

ترجمه اسم به صورت فعل در سازه‌های جزئی و عادی کلام ابن عربشاه به وفور دیده می‌شود. وی عبارات «انتها داشتن» را که مصدر است به صورت فعل «انتهی» برگرداند و این تکنیک آسیبی به مفهوم و محتوای کلام وارد نکرد و این همان جابه‌جایی و تغییر از طبقه دستوری خاص به طبقه دستوری دیگر است که مترجم عامدانه یا ناخواسته مرتکب آن شده است. یکی از عواملی که باعث شده مترجم تمایل بیشتری به کار بست فعل داشته باشد، این است که ساختارهای اسمی در زبان فارسی و ساختارهای فعلی در زبان عربی بسیار است. زبان عربی ویژگی اشتقاقی (ریشه‌ای) دارد و ساختارهای فعلی بیشتر در آن به چشم می‌خورد؛ بنابراین، چنین تغییراتی در جمله هر چند جزئی به نظر می‌آیند، اما باعث شده ترجمه مرزبان-نامه رنگ و بوی ساختار فارسی را نداشته باشد و مترجم آن را بومی‌سازی کرده است.

نکته قابل توجه در جابه‌جایی‌های صورت گرفته در ترجمه ابن عربشاه این است که هدف او از کار بست آن رعایت اصل خوانایی است. این نوع تغییرات به ظاهر ساده در کلام ابن عربشاه باعث شده نثر مصنوع مرزبان‌نامه به نثری روان و خوانا تبدیل شود. بنابراین، این شاخصه در ترجمه، گونه‌ای از ترجمه ترانه‌شی است که زیرمجموعه الگوی وینه و داربلنه قرار می‌گیرد.

۶-۲. تغییر بیان

این مؤلفه زمانی اتفاق می‌افتد که مترجم معنا یا زاویه دید نویسنده را در متن ترجمه تغییر دهد و با زبانی گویا مفهوم اصلی را منتقل کند. به عبارت دقیق‌تر، منظور از تغییر بیان «تعدیل، تغییر یا دست‌کاری در صورت زبان مبدأ به هنگام قالب‌ریزی آن در زبان مقصد و با هدف انتقال بهتر پیام به مخاطب است» (صحرائی‌نژاد، ۱۳۸۹). این مؤلفه از نظر وینه و داربلنه «نوعی روش ترجمه مشتمل بر تغییر دیدگاه و یا تجدید خاطره است و غالباً از مقوله اندیشه است» (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵). وینه و داربلنه معتقدند که مترجم برای جلوگیری از برداشت اشتباه خواننده و به منظور ارائه ترجمه‌ای مناسب از تعابیر موجود در گنجینه ذهن خود استفاده می‌کند؛ به گونه‌ای که اگر مترجم از دیگر مؤلفه‌ها بهره برد قطعاً معنی را تباه خواهد کرد. البته این بدان معنا نیست که تغییر معنی به تغییر ایده منتهی می‌شود، چرا که مترجم از عباراتی

بهره می‌گیرد که در ظاهر با زبان مبدأ تفاوت دارد، اما در واقع ایده‌ مشابهی را می‌رساند. بنابراین، معنای متن و دیدگاه زبان مبدأ تغییر می‌یابد، نه ایده.

در این موارد مترجم باید به شمّ زبانی - فرهنگی خود اتکا کند و از خود بپرسد در زبان مادری او، یک مفهوم خاص در چنین موقعیتی به چه نحو بیان می‌شود. «مترجم تنها با تکیه بر شمّ زبان مادری خود می‌تواند از «زبان ترجمه‌ای» پرهیز کند و در ترجمه به زبانی روان و طبیعی دست یابد و از برقراری «تعادل ساختاری» میان دو واژه یا دو عبارت پرهیز کند و در ترجمه هر عبارت، مقصود نویسنده را ترجمه کند و همان اثری را که خواننده متن اصلی دریافت می‌کند به خواننده ترجمه منتقل کند» (خزاعی فر، بی تا).

از دیدگاه وینه و داربلنه، تغییر بیان، زمانی محقق می‌شود که ترجمه تحت‌اللفظی و یا حتی جابه‌جایی به گفته دستوری درستی منجر شود، اما آن ترجمه در زبان مقصد نامناسب به شمار آید که در این صورت مترجم از این نوع ترجمه استفاده می‌کند. «وینه و داربلنه بسیار به تغییر بیان به عنوان سنگ محک یک مترجم شایسته، اهمیت می‌دهند. در صورتی که جابه‌جایی فقط نشان‌دهنده چیرگی کافی بر زبان مقصد است» (ماندی، ۱۳۸۹).

۶-۲-۱. محورهای تغییر بیان باب پنجم

۶-۲-۱-۱. تغییر بیان از معنای اولیه به معنای ثانویه

متن مرزبان‌نامه: آن همه اشک حسرت که گلاب‌گر از نایژه حدقه گل می‌چکاند، نتیجه همان یک خنده است که غنچه گل سحرگهان بر کار جهان زد و قهقهه شیشه هنوز در گلو باشد که به گریه زار خون دل پالاید (وراوینی، ۱۳۷۶)

ترجمه عربی: وَكُلُّ حَرَكَةٍ تُصَدَّرُ مِنَ الْغَيْبِيِّ الْعَاجِزِ يَعْجُزُ عَنِ مُقَاوَمَتِهَا الْبَطْلُ الْمُبَارِزُ وَكُلُّ قَوْلٍ يَنْفَوُهُ بِه الْجَاهِلُ يَدْعُ دَلِيلَ مَعَانِيهِ أَدَلَّةَ الْعُقْلَاءِ فِي مَجَاهِلٍ وَ مَذَاهِلٍ... (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۲-۱-۲. تغییر بیان از مثبت به منفی

متن مرزبان‌نامه: بزورجمهر مشاهده می‌کرد و پوشیده می‌داشت (وراوینی، ۱۳۷۶)

ترجمه عربی: شَاهِدَ بُزْرَجْمَهُ هَذَا الْأَمْرَ فَمَا أَبْدَاهُ وَلَا أَنْهَاهُ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۲-۱-۳. تغییر بیان از منفی به مثبت

متن مرزبان‌نامه: این افسانه از بهر آن گفتم تا دانی که شتاب‌زدگی صفت شیطان‌یست و بی‌صبری از باب نادانی (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: إِنَّمَا أُورِدْتُ هَذَا الْمَثَالَ؛ لِيَتَعَلَّمَ فَضِيلَةَ التَّأَمُّلِ فِي الْمَالِ وَ التَّفَكُّرِ فِي عَوَاقِبِ الْأَحْوَالِ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۲-۱-۴. تغییر بیان از جزء به کل، تصریح، شفاف‌سازی

متن مرزبان‌نامه: گرمش پیرسید (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَ تَقَدَّمَ بِالسُّؤَالِ عَنِ حَالِهِ إِلَيْهِ وَ أَنَسَهُ بِالْمَحَادَثَةِ وَ ذَكَرَ لَهُ الدَّهْرَ وَ حَوَادِثَهُ وَ تَذَاكُرَ مَا وَقَعَ مِنَ الدُّبِّ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۲-۱-۵. تغییر بیان از کل به جزء

متن مرزبان‌نامه: چون بدرسرای خود رسید، در بسته دید (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: إِلَى أَنْ وَصَلَ إِلَى الْبَابِ وَ مَا عَلَيْهِ حَاجِبٌ وَ لَا بَوَّابٌ، فَرَأَى الْبَابَ مَقْفَلًا وَ الْقَنْدِيلَ عَلَيْهِ مُسْبَلًا (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۲-۱-۶. بیان جزئی به جای جزئی دیگر

متن مرزبان‌نامه: براهمه هند که براهین حکمت در بیان دارند، چنین گفتند که سخن ناگفته بدان مخدره ناسفته ماند که مرغوب طبع‌ها و محبوب دل‌ها باشد و خاطبان را رغبات بدو صادق و سخن گفته بدان کدبانوی شوی دیده که حیلت‌هایی باید کرد که بازار تزویج او بدشواری تزویج پذیرد و هم در لطایف کلمات ایشان خوانده‌ام که خاموشی هم پرده عورت جهلست و هم شکوه عظمت دانایی (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: قَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: اللِّسَانُ أَسَدٌ وَ هُوَ حَارِسُ الرَّأْسِ وَ الْجَسَدِ، إِنْ حَبَسَتْهُ حَرَسَكَ، وَ إِنْ أَطْلَقَتْهُ حَبَسَكَ، وَ إِنْ سَلَطَتْهُ إِفْتَرَسَكَ. وَ قَالُوا الْكَلَامُ أَسِيرٌ مَا لَمْ تُبْدِهِ فَإِنْ تَكَلَّمْتَ بِهِ فَأَنْتَ أَسِيرُهُ. قَالَ بَعْضُ الْحُكَمَاءِ: أَنَا عَلَى مَا لَمْ أَقُلْ أَقْدَرُ مِنِّي عَلَى مَا قُلْتُ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

در داستان «دادمه و دادستان» باید دادمه را به سبب خطایی که در برابر پادشاه مرتکب شده بود مجازات می‌کردند. وراوینی در توصیف جزئیات این صحنه می‌گوید:

متن مرزبان‌نامه: «دادمه را محبوس کردند و کنده‌ای بر پای وی نهادند» (وراوینی، ۱۳۷۶).
ترجمه عربی: «فَقَبَّضُوا عَلَيْهِ وَ وَضَعُوا الْعُلَّ فِي رَقَبَتِهِ وَالسَّلَاسِلَ فِي يَدَيْهِ وَ رَجَلَيْهِ» (ابن عربشاه، ۱۴۲۱).

در این نمونه، شاهد دو مؤلفه هستیم: مؤلفه نخست جابه‌جایی است؛ مترجم واژه «پا» را که مفرد است به مثنی برگردانده و از یک حالت به حالت دیگر تغییر یافته است؛ در اصل مقصود وراوینی از پا، دو پای دادمه است، اما مترجم مقید به ترجمه تحت‌اللفظی نبوده و به صورت آزاد اقدام به برگردان آن کرده است. در ادامه می‌بینیم که مترجم واژه‌های «رِقْبَتَهُ وَالسَّلَاسِلَ فِي يَدَيْهِ» را به متن افزوده و با هدف شفاف‌سازی، زاویه دید را تغییر داده و متن را از حالت کلی به حالتی جزئی برگردانده است. مترجم با این کار معنای کلام را تا حدودی تغییر داده، اما ایده و فکر که حبس دادمه و تبیین شرایط مجازات است، ثابت مانده است. دادمه در رابطه با داستان خسرو و بزرگمهر می‌گوید: در حالی که خسرو گوهری در دست داشت که این گوهر آبدارتر از دندان زیبارویان و رخشان‌تر از سرشک عاشق و روشن‌تر از شبنم بر برگ گل و تابناک‌تر از مروارید بود، غرق در تماشای مرغابی‌هایی شده بود که نگارگر هستی آن را در بستر آب چگونه آفریده است!

متن مرزبان‌نامه: «خسرو گوهری گرانمایه در دست داشت ... در استغراق آن حالت از دستش در افتاد» (وراوینی، ۱۳۷۶).

ترجمه عربی: فَسَقَطَ الْخَاتَمُ مِنْ إِصْبَعِهِ وَ هُوَ سَاهٍ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱).

ابن عربشاه برخلاف استعمال مجازگونه وراوینی، واژه «دست» را به صورت حقیقی ترجمه کرده و مقصود اصلی وراوینی را از این واژه که در واقع اطلاق کل «دست» بر جزء «انگشت» است را به معنای حقیقی (إصبع: انگشت) ترجمه کرد. در این نمونه با وجود اینکه مترجم معنا و زاویه دید را از دست به انگشت تغییر داده، اما این تغییر معنا به تغییر ایده منتهی نشده و ایده که همان گم شدن انگشت است، ثابت مانده است.

از دیگر محورهای تغییر بیان، تبدیل معنا از حالت مبهم به واضح و روشن است؛ به این صورت که متن مبدأ به چیزی اشاره دارد که یا مبهم است یا اینکه معنای آن صریح و مستقیم بیان نشده است و در آن کنایه یا مجاز یا آرایه ادبی دیگری به کار رفته که باعث دوپهلوی شدن و ابهام در مفهوم و فحوای کلام می‌شود. در این حالت مترجم آن را با همان ابهام و همراه با آن صنعت ادبی به متن مقصد منتقل نمی‌کند، بلکه با تغییر بیان به آن تصریح می‌کند. در داستان «موش با مار»، داستان درباره موشی است که با مشقت فراوان در باغی برای خود خانه‌ای ساخته است. روزی بیرون می‌رود، بعد از بازگشت به ناگه متوجه سکنی گزیدن ماری در خانه‌اش می‌شود. تصمیم می‌گیرد به نحوی آن را نابود کند؛ بنابراین، یک روز خود را به باغبان نشان می‌دهد، باغبان به قصد گرفتن موش، او را دنبال می‌کند، موش در سوراخی که مار در آن منزل گزیده می‌جهد، باغبان با بیل بر سر مار می‌زند و این گونه به اشتباه به جای موش، مار را نابود می‌کند. وراوینی در این رابطه گفته است:

متن مرزبان‌نامه: «باغبان بر مار ظفر یافت» (وراوینی، ۱۳۷۶)

ترجمه عربی: «فَقْتَلَ تَلْكَ الْأَفْعَى» (ابن عربشاه، ۱۴۲۱).

در اینجا هم، مانند نمونه‌های پیشین مترجم به تصریح‌سازی و تغییر بیان پرداخته و «ظفر یافتن» که دال بر دست یافتن، کامیاب شدن و غلبه کردن است را به صورت فعل «قتل» ترجمه کرده است. مترجم با حفظ ایده که همانا «از میان برداشتن مانع است» به وسیله مؤلفه تغییر بیان و استفاده از گنجینه واژگانی ذهن خود، زاویه دید را از وجه مثبت «ظفر یافتن» به وجه منفی «قتل» تغییر داد و برای کلمه مبدأ، واژه‌ای در نظر گرفت که تنها یک معنی از آن دریافت می‌شود؛ در واقع این واژه در سخن ابن عربشاه با حفظ جوهره اصلی با تعبیر دیگری بیان شده است.

دو مؤلفه فوق شباهت زیادی به هم دارند که باید در به کارگیری آن محتاط بود. البته برخی شاهد مثال‌ها را ناچاریم زیرمجموعه هر دو مؤلفه بگیریم؛ به عنوان مثال، در مؤلفه جابه‌جایی؛ اطناب، ایجاز، افزوده‌سازی می‌تواند نوعی تغییر بیان هم محسوب شود، چرا که در این سه مورد علاوه بر این، ساختار دستوری کلام جابه‌جا می‌شود، معنای مقصد نسبت به زبان مبدأ با حفظ ایده تغییر می‌یابد.

۳-۶. معادل‌یابی

از دیگر معیارهای الگوی وینه و داربلنه، معادل‌یابی است که نظریه‌پردازان زیادی به آن پرداخته‌اند. در این روش به جای ترجمه جمله یا عبارت، معادل آن در زبان مقصد بیان می‌شود. «وینه و داربلنه، معادل‌یابی را خلق مجدد متن با استفاده از کلمات متفاوت در شرایطی مشابه تعریف می‌کنند. آن‌ها همچنین معتقدند که به‌کارگیری این روند طی فرآیند ترجمه می‌تواند سبک متن مبدأ را در زبان مقصد حفظ کند. بنابراین، وقتی مترجم مجبور است با ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات، کلیشه‌ها، عبارات اسمی یا وصفی و صدای واژه‌ها سروکار داشته باشد، این بهترین روش است» (ولی‌پور، ۱۳۸۲). در این بخش منظور از این مولفه، «معادل پویا و قالب‌ناپذیر» است، نه معادل‌های قالب‌پذیر و اجباری. معادل پویا توسط مترجم خلق می‌شود و آفرینشی است که از فردی به فرد دیگر متفاوت است؛ زیرا هر بار کشف و پیام‌های متفاوتی دریافت می‌شود. بنابراین، وظیفه مترجم فراهم آوردن شرایطی است که در آن نویسنده متن اصلی و خواننده زبان مقصد بتوانند با یکدیگر به تعامل و تأثیر متقابل پردازند و چنین شرایطی زمانی محقق می‌شود که متن زبان مقصد از نظر ارزش ارتباطی با متن زبان مبدأ معادل و یکسان باشد.

۱-۳-۶. محورهای معادل‌یابی پویا

۱-۱-۳-۶. توصیف موقعیت (اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها)

متن مرزبان‌نامه: سعادت طالع را بر سبیل مساعدت نمی‌دیدم (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: کَانَ إِذْ ذَاكَ الْجَدُّ فِي انْعِكَاسٍ وَ السَّعْدُ فِي اِتِّكَاسٍ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱):

۲-۱-۳-۶. معادل تفسیری

متن مرزبان‌نامه: ای هدهد: اینجا که نشسته‌ای گوش به خود دار (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: فَنَادَاهُ يَا صَاحِبَ النَّجِّجِ وَالْقَبَاءِ وَ الدِّيَابِجِ لَا تَقْعُدْ فِي هَذَا الْمَكَانِ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۳-۱-۳-۶. معادل روان و سره

متن مرزبان‌نامه: اتفاقاً خرس وزیر حاضر بود (وراوینی، ۱۳۷۶)

ترجمه عربی: فَوَجَدَ الدُّبَّ جَالِسًا بَيْنَ يَدَيْهِ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۳-۱-۴. معادل یابی آرکائیسیم (کهن‌الگویی)

متن مرزبان‌نامه: و در مقاعد سمعی قبول نشینند همچون مردِ تیرانداز که اگر چه ساعد سست و ضعیف دارد، چون بخت مساعد اوست هرچه از قبضه او بیرون رود زود بر نشانه آید... (وراوینی، ۱۳۷۶)

ترجمه عربی:

وَاصِدٌ طَدِبَ بِهَا الْعَقَاءَ فَهِيَ حَبَائِلٌ وَاقْتَدَ بِهَا الْجَوَزَاءَ فَهِيَ عِنَانٌ

(ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۳-۱-۵. معادل عامیانه

متن مرزبان‌نامه: من تماشا می‌کنم (وراوینی، ۱۳۷۶)

ترجمه عربی: أَنَا أَتَفَرِّجُ عَلَيْهِ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۳-۱-۶. معادل بدیع و نو

متن مرزبان‌نامه: اگر تو این راز را در پرده خاطر پوشیده داری (وراوینی، ۱۳۷۶)

ترجمه عربی: أَنْتَ هُوَ ذَاكَ الْمَوْثُوقُ، فَاطْرَحُهُ مِنْ سُودَاءِ قَلْبِكَ فِي أَسْفَلِ الصُّدُوقِ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۳-۱-۷. معادل ادبی و شاعرانه

متن مرزبان‌نامه: چون روزگار از طریق ناسازگاری میل کند (منحرف شود)، میل در چشم بصیرت کشد روز روشن برو چون شب تاریک نماید (وراوینی، ۱۳۷۶)

ترجمه عربی: وَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ لَيْلِ السَّعْدِ إِذَا أَدْبَرَ وَ صُبْحِ الْخُمُولِ إِذَا أَسْفَرَ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱).

رومن یا کوبسن^۱ درباره معادل‌یابی در ترجمه می‌گوید: «هرگاه مترجم معادلی نیابد می‌تواند با استفاده از واژگان قرضی یا ترجمه قرضی، نوواژه‌ها یا تغییرات معنایی و بیان غیرمستقیم به مجموعه کلمات، کیفیت و توسعه ببخشد» (ولی‌پور، ۱۳۸۲). این نوع ترجمه

1- Jakobson, R.

ممکن است در هر ترجمه‌ای نباشد و مورد بررسی قرار نگیرد، اما یکی از مواردی است که باعث ارزش ادبی و هنری متن می‌شود و بر خلاقیت آن می‌افزاید. در داستان «مرد بازرگان با زن خویش» سخن از بازرگانی است که ساکن بلخ و صاحب ثروت فراوانی بود که به او ارث رسیده بود. از بخت بد و در پی رویدادهای ناگوار هر چه داشت از دست داد.

متن مرزبان‌نامه: «و در تتابع احداث زمانه رقعہ موروث و مکتسب خویش بر افشاند» (وراوینی، ۱۳۷۶)

ترجمه عربی: «وَ عَامِلُهُ الزَّمَانُ بِعَادَةِ طَبْعِهِ الْفِطْرِيِّ وَ أَدْبَرَتْ عَنْهُ مِنَ الدُّنْيَا الْقَوَائِلُ» (ابن عربشاه، ۱۴۲۱).

با توجه به هم‌کیش و آیین بودن فارسی‌زبان‌ها با عرب‌زبان‌ها و مرسوم بودن اقتباس از آیات و روایات در متون فارسی، این امر در مرزبان‌نامه نیز نمود یافته است. به عنوان مثال، در عبارت بیان شده، وراوینی از واژه‌های عربی «تتابع، احداث، موروث، مکتسب» استفاده کرده، اما ابن عربشاه به جای ذکر همان معادل ساده از معادلی نو بهره گرفته و به نخستین واژه‌ای که به ذهنش می‌رسد، اکتفا نمی‌کند، بلکه در گنجینه واژگانی خود به دنبال معادل و هم‌معنایی برای آن واژه می‌گردد که هم ادبی‌تر و هم زیباتر باشند. ابن عربشاه در به-کارگیری معادل‌ها، سخن‌آرایی و نغزگفتاری می‌کند و در برگردان عبارت دست به معادل‌سازی و ترجمه مجدد آن در زبان عربی می‌زند. جمله «وَ عَامِلُهُ الزَّمَانُ بِعَادَةِ طَبْعِهِ الْفِطْرِيِّ» و «أدبرت عنه من الدنيا القوایل» معادلی پویا است که در زبان عربی کمتر به کار رفته است. وی در پی هم آمدن رویدادهای ناگوار را از خصلت‌های روزگار برشمرده و معنای «بازرگان هرچه داشت را از دست داد» را با استفاده از تعبیر کنایی «دنیا به او پشت گردانید و شادی‌ها را از او ستاند و حوادث ناگوار را از پی هم به سوی او نشانه رفت» معادل‌سازی کرده است. «وینه و داربلنه معتقدند برخی پاره‌گفتارها در متن وجود دارند که با روش تحت‌اللفظی یا گرت‌برداری و... قابل ترجمه نیستند» (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵). این پاره‌گفتارها حتماً باید در زبان مقصد معادل‌یابی شوند. ابن عربشاه چون رویکردی مقصدمحور داشته، نسبت به تغییر موقعیت در گزینش واژگانی مناسب‌تر، آگاهانه و هدفمند عمل کرده و همین امر به شیوایی و استواری متن فاکهة الخلفاء افزوده است.

در داستان «مرد بازرگان با همسر خویش» عنوان شده که مرد بازرگانی که تمام دارایی خود را از دست داده بود جهت بهبود اوضاع، ترک دیار کرد و پس از سال‌ها دست پر برگشت و به سرعت در پی همسرش رفت:

متن مرزبان‌نامه: «در بسته دید. به راهی که دانست بر بام رفت و از منفذی نگاه کرد» (وراوینی، ۱۳۷۶)

ترجمه عربی: «و کان یعرفُ لِّلَسَطُوحِ دَرَباً خَفِیًّا فَاسْتَطَرَّقَ مِنْهُ» (ابن عربشاه، ۱۴۲۱).

مترجم با افزودن کلمه «خفیا» که با سیاق متن عربی هماهنگی بیشتری دارد آن را به «درباً خفیا» ترجمه کرده است. در اصل مقصود وراوینی برابر همان چیزی است که ابن عربشاه بیان کرده و منظور از راه، همان خروج یا راه اضطراری است که امروزه به کار می‌رود، اما ابن عربشاه با استفاده از واژه «خفیا» علاوه بر اینکه تأثیری مشابه تأثیر متن اصلی در برگردان آن ایجاد کرد با توجه به برداشتی که از متن فارسی کرده «درباً خفیا» را بر آن افزوده و این‌گونه موقعیت جمله در متن مبدأ را با موقعیتی مشابه در متن مقصد بازآفرینی کرده است.

۶-۴. همانندسازی

همانندسازی یا اقتباس گونه‌ای از معادل‌یابی است که بیشتر به معادل‌یابی موقعیتی یا ترجمه آزاد شباهت دارد و با عنوان معادل‌سازی فرهنگی نیز شناخته می‌شود. این راهکار همراه با واژگان و تعابیری که ویژه فرهنگ زبان مبدأ است به کار گرفته می‌شود؛ در حالی که مترجم آن را با بافت و ویژگی زبان مقصد همانندسازی کرده و به زبان مقصد انتقال می‌دهد. در این تکنیک سعی بر این است که متن اصلی با عبارات و جملاتی جایگزین شود که معنا و مفهوم اصلی نویسنده را بهتر به خواننده القا کند و بدین ترتیب خواننده ارتباط بهتری با مفهوم اصلی متن برقرار خواهد کرد. «همانندسازی یا اقتباس؛ یعنی جایگزینی کلمه و مفهومی از متن اصلی که در فرهنگ مقصد وجود ندارد یا معنای دیگری به ذهن متبادر می‌کند با کلمه و مفهومی مشابه آن در ترجمه که برای خواننده آشناست» (خزاعی‌فر، ۱۳۷۷). در این راهکار، جنبه‌های فرهنگی متن مبدأ در متن ترجمه متناسب با فرهنگ زبان مقصد دستخوش تغییر می‌شود تا نزد مخاطب پذیرفته‌تر باشد.

اقتباس از منظر وینه و داربلنه، آن‌چنان تغییرات اساسی نیست که ترجمه را از حالت ترجمه عادی به ترجمه غیرعادی یا تألیفی تبدیل کند، بلکه انتخاب عملکرد اقتباس، تنها در مواقع جزئی و بسیار ضروری است که انتقال مفاهیم فرهنگی از زبان مبدأ به زبان مقصد مشکل ایجاد کند. به عبارت دیگر «این رویه زمانی کاربرد زیادی دارد که فهم خواننده خیلی مهم بوده است. در این نوع ترجمه، جنبه‌های فرهنگی متن مبدأ را در متن ترجمه متناسب با فرهنگ زبان مقصد تغییر می‌دهیم. برای مثال، یکشنبه را جمعه ترجمه می‌کنیم» (وینه و داربلنه، ۱۹۹۵). در این روش، مترجم باید یک موقعیت جدید ایجاد کند که معادل عبارت زبان مبدأ باشد. این روش بیشتر برای ترجمه نام کتاب‌ها یا فیلم‌ها مورداستفاده قرار می‌گیرد. «تغییر ارجاع فرهنگی زمانی رخ می‌دهد که یک موقعیت در زبان مبدأ در فرهنگ مقصد وجود ندارد» (ماندی، ۱۳۸۹).

به هر اندازه دو ملت از جهت فرهنگی، اشتراکات بیشتری با هم داشته باشند به همان نسبت کاربرد اقتباس در تبادل‌های فرهنگی از جمله تبادلات ترجمه‌ای کمتر می‌شود و این موضوع در ترجمه فارسی به عربی و برعکس صدق می‌کند. حقانی می‌گوید «در واقع، از آنجا که زبان در بستر فرهنگ شکل می‌گیرد، انتقال زبانی در ترجمه از یک سو، تعامل مترجم با مقولات فرهنگی موجود در آن و از سوی دیگر، ارتباط و تعامل میان فرهنگ‌های مبدأ و مقصد را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد» (حقانی، ۱۳۸۶).

۶-۴-۱. محورهای همانندسازی

۶-۴-۱-۱. همانندسازی در سطح واژگان

متن مرزبان‌نامه: بقرط می‌گوید: كُنْ فِي الْحَرَصِ عَلَى تَفْقُدِ عَيْبِكِ كَعَدْوِكَ (وراوینی، ۱۳۷۶) ترجمه عربی: قَالَ الْإِمَامُ مَالِكُ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ: لَيْكَنْ جُلُّ مَطْلُوبِكَ حَرَصُكَ عَلَى تَفْقُدِ عَيْبِكَ وَ قُمْ بِذَلِكَ عَنِ نَفْسِكَ وَ ذَاتِكَ مَقَامَ حُسَّادِكَ وَ رُقْبَائِكَ وَ عِدَاتِكَ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۴-۱-۲. همانندسازی در سطح تعابیر اصطلاحی

متن مرزبان‌نامه: وَالْمَصْدُورُ إِذَا لَمْ يَنْفُثْ جَوِي (وراوینی، ۱۳۷۶) ترجمه عربی: وَ غَلَا الْخَمْرُ سِرَّهُ فِي قَلْبِهِ وَ قَذَفَ بِالزُّبْدِ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱)

۶-۴-۱-۳. همانندسازی در سطح جملات

متن مرزبان‌نامه: ما هو فی مَشِيئَةِ اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْقَضَاءِ وَالْقَدَرِ (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: وَ نَاهِيكَ فِي قَضِيئَةِ الْقَضَاءِ وَالْقَدَرِ قَضِيئَةَ آدَمَ أَبِي الْبَشَرِ مَعَ مُوسَى الْكَلِيمِ عَلَيْهِمَا
الصَّلَاةُ وَ التَّسْلِيمُ لِمَا جَرَتْ عَلَيْهِ أَحْكَامُ الْقَضَاءِ وَالْقَدَرِ (ابن عربشاه، ۱۴۲۱).

مترجم وقتی ببیند که موقعیت فرهنگ مبدأ بر فرهنگ مقصد منطبق نیست در این صورت با خلق موقعیت جدید به همانندسازی دست می‌زند. از جمله همانندسازی واژگانی می‌توان به نمونه زیر در داستان «دادمه و دادستان» اشاره کرد: دادمه در رابطه با به استهزا گرفتن عمل ناخواسته پادشاه پس از اینکه به اشتباه خود پی برد برای سرپوش نهادن بر آن، شروع به تملق از دادستان کرد که تو دوست و یار من هستی و اگر از من خطایی هم سربزند و مستوجب عقوبتی سخت هم باشم تو به حرمت دوستیمان آن را فاش نخواهی کرد. دادمه خطاب به دادستان می‌گوید:

متن مرزبان‌نامه: «راز کس در دل کس گنجایی ندارد مگر در دل دوست» (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: «لَا تُودِعُ السِّرَّ إِلَّا عِنْدَ صَاحِبِ صَدُوقِ صَدِيقٍ» (ابن عربشاه، ۱۴۲۱).

در زبان فارسی راز در دل را در دل گنجاندن کنایه از حفظ و نگهداری آن است و در فرهنگ و زبان عربی برای چنین تعبیری از لفظ «ایداع» استفاده می‌شود و ابن عربشاه معادل «ایداع السر» را مقابل «گنجاندن راز» قرار داد که در فرهنگ و زبان عربی به عنوان تعبیر اقتباسی پربسامد و ادبی کاربرد دارد. به بیانی دیگر، صیانت از راز خود را به دیگری سپردن و ودیعت نهادن ترجمه‌ای اقتباسی است متناسب با زبان و فرهنگ مردم عرب. مسلماً چنین ترجمه‌ای برای خواننده عرب‌زبان ملموس‌تر و آشنا تر است.
در داستان «مرد بازرگان با زن خویش» راوی می‌گوید:

متن مرزبان‌نامه: «شنیدم که در شهر بلخ بازرگانی بود صاحب ثروت» (وراوینی، ۱۳۷۶)
ترجمه عربی: «بَلَّغْنِي مِنْ أَحَدِ الْعِبَادِ... أَنَّهُ كَانَ فِي مَدِينَةِ بَلْخٍ تَاجِرٌ عَرِيضُ الْمَالِ وَالْجَاهِ» (ابن عربشاه، ۱۴۲۱).

ابن عربشاه برای برگردان عبارت «صاحب ثروت» از معادل فرهنگی «عریض المال و الجاه» که اصطلاحی مختص به زبان مقصد است، استفاده می‌کند. «عریض المال، عریض الجاه، عریض القفا، عریض الرأس و...» از تعابیر متداول در زبان عربی است که در اینجا مترجم برای انتقال درست معنا فرآیند اقتباس را به درستی انجام داده و از آن بهره برده است؛ در حالی که ابن عربشاه می‌توانست از واژه‌های «ثری، غنی و...» استفاده کند، اما در گنجینه لغات خود به دنبال واژه‌ای می‌گردد که هم عربی‌تر و هم ادبی‌تر باشد. مترجم در زبان عربی دنبال واژه‌ای نشان‌دار متناسب با فرهنگ زبان مقصد است. اگر پرسیده شود که اصطلاح «عریض المال و الجاه» در مقابل کدام واژه متن مبدأ ذکر شده مسلماً پاسخ دقیقی در پی ندارد. مترجم با برگزیدن این اصطلاح کوشیده همان معنا و کارکرد را به خواننده عربی زبان القا کند.

در داستان «مرد بازرگان و زن خویش» چنین آمده که بازرگان بعد از اینکه تمام دارایی‌اش را از دست داد جهت بهبود اوضاع خویش جلای وطن کرد و پس از سال‌ها به بلخ بازگشت، اما متوجه شد که همسرش به دلیل نیاز مالی ازدواج کرده است. این موضوع خشم او را برانگیخت و قصد کشتن او و همسرش را کرد:

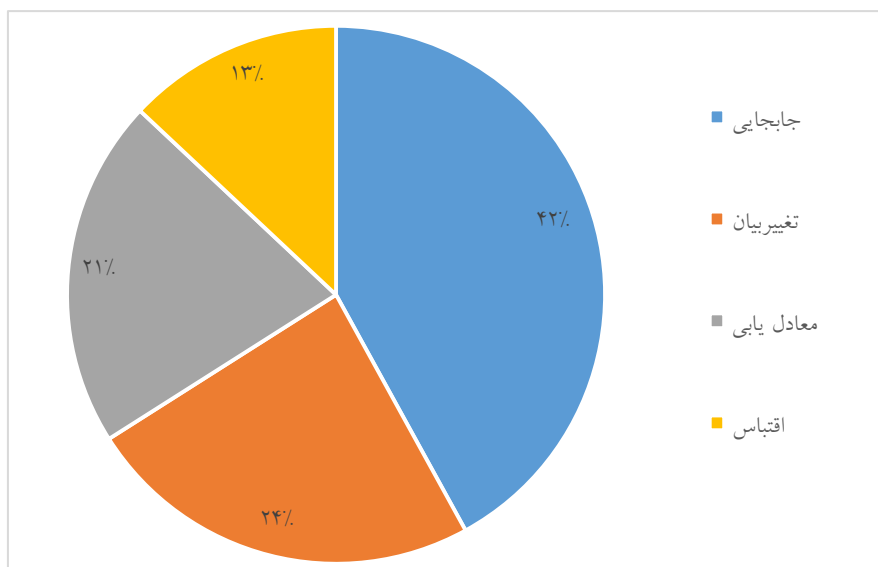
متن مرزبان‌نامه: «خواست کارد برکشد و فرو رود و از خون هر دو مرهمی از بهر جراحت خویش معجون کند» (وراوینی، ۱۳۷۶)

ترجمه عربی: «فَسَلَّ السَّكِينِ وَ قَصَدَ قَتْلَ ذَلِكَ الْمَسْكِينِ وَ صَمَّمَ عَلَى النُّزُولِ إِلَى الْبَيْتِ وَ إِثَارَةَ الْفِتَنِ بَكِيَّتٍ وَ كَيْتٍ» (ابن عربشاه، ۱۴۲۱).

شاهد مورد بحث در این بخش، جمله «و از خون هر دو مرهمی از بهر جراحت خویش معجون کند» است که ابن عربشاه با استفاده از تعبیر «بکیت و کیت: چنین و چنان» در برگردان آن با رویکرد همانندسازی و متناسب با بافت زبان مقصد عمل کرده است. در واقع او معادلی کاملاً موجز و خلاصه را که خاص زبان و فرهنگ عربی است برای متن زبان مبدأ برگزیده تا خواننده عرب‌زبان با دیدن آن منظور و مقصود گوینده را بهتر دریابد.

در پایان برای ارائه نمایی از میزان بهره‌گیری مترجم از مؤلفه‌های غیرمستقیم، بسامد هریک از آن‌ها در نمودار (۱) آمده است.

نمودار ۱. بسامد مؤلفه‌های غیرمستقیم در فاکهة الخلفاء ابن عربشاه



بحث و نتیجه‌گیری

از آنچه در این جستار آمد نتایج زیر به دست می‌آید:

– تغییرات کاهشی و افزایشی، افزودن امثال و اشعار عربی و چرخش فرهنگی در برگردان برخی مقوله‌ها و برگزیدن نثر مرسل از جمله اسباب و عواملی است که ترجمه ابن عربشاه را به ترجمه‌ای اقتباسی و همراه با دگردیسی نزدیک کرده است. ابن عربشاه با تغییر ساختار زبان مبدأ و تعدیلات اساسی در نظام واژگانی آن از یک سو متن را خوانا و روان کرده و از سوی دیگر به مخاطب عرب زبان کمک کرده تا معنای موردنظر را بهتر و آسان‌تر دریابد. وی در مقام مترجم از زاویه یک عرب زبان با متن ارتباط برقرار کرده و افق معنایی متن فارسی را به افق معنایی متن عربی پیوند زده است. آشنایی ابن عربشاه با زبان فارسی سبب شده که نهایت دقت و نکته‌سنجی را در گزینش واژگان به کار گیرد و در انتقال معانی موفق عمل کند. علاوه بر این، کاربرد مؤلفه‌های غیرمستقیم توسط مترجم رنگ و بوی ترجمه را از متن زدوده و متنی رسا و شیوا ارائه کرده است و در نهایت ساختار متن فاکهة الخلفاء را از ویژگی‌های ساختاری زبان فارسی دور کرده و ترجمه‌ای مناسب ارائه کرده است.

- کارایی مؤلفه‌های الگوی وینه و داربلنه برای سنجش و ارزیابی ترجمهٔ مرزبان‌نامه از دو جهت مناسب است: نخست آنکه براساس مؤلفه‌های ترجمهٔ غیرمستقیم مطرح در این الگو به خوبی می‌توان مقصدمدار و اقتباسی بودن ترجمه را اثبات کرد؛ اینکه ابن عربشاه از اصل امانت‌داری و تعادل به عنوان مؤلفه‌های رویکرد سنتی ترجمه فاصله گرفته و به بازآفرینی و دگردیسی روی آورده است. دوم اینکه به سبب وجود نمونه‌هایی همسو با ترجمهٔ مستقیم ترجمه بودن این کتاب را می‌توان اثبات و ادعای تألیف بودن آن را رد کرد.




- در ترجمهٔ باب پنجم در مرحلهٔ نخست مؤلفه جابه‌جایی پربسامدترین مؤلفه است و دو مقولهٔ اطناب و افزوده‌سازی بیشتر در سطح عبارت و جمله به کار رفته و اطناب‌گویی باعث شده در مجموع حجم فاکهة الخلفاء نسبت به مرزبان‌نامه افزایش یابد. مؤلفهٔ تغییر بیان پس از جابه‌جایی پرکاربردترین مؤلفه است. ابن عربشاه به کمک معادل‌یابی، این اثر ادبی را به گونه‌ای بومی‌سازی کرده که شماری از محققان، فاکهة الخلفاء را کتابی تألیفی به‌شمار آورده‌اند. او در واقع به واسطهٔ این مؤلفه‌ها جهان متن نویسنده را با جهان متنی که خود برای خواننده آفریده پیوند زده و باعث شده که خوانندهٔ عرب زبان به خوبی با متن ارتباط برقرار کند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Solmaz Ghaffari
Sayyed Mahdi Masboogh
Sedigheh Zoodranj

 <https://orcid.org/0000-0002-2697-7595>
 <https://orcid.org/0000-0003-0739-982X>
 <https://orcid.org/0000-0002-1699-4930>

منابع

- ابن عربشاه، شهاب‌الدین. (۲۰۰۱). فاکهة الخلفاء و مفاکهة الظرفاء. تحقیق و تقدیم ایمن عبدالجابر البحریری. ط ۱. القاهرة: دارالآفاق العربیه.
- أورتادو و ألبیر، أمبارو. (۲۰۰۷). الترجمة و نظریاتھا (مدخل إلى علم الترجمة). ترجمهٔ علی ابراهیم المنوفی. القاهرة: دارالکتب و الوثائق القومیة.
- امین، احمد. (۱۲۹۵). ضحی الاسلام. بیروت: دارالکتب العلمیه.

- بهرامی، محمد. (۱۳۸۴). نظریه پردازان ترجمه. پژوهش‌های قرآنی (ویژه‌نامه ترجمه قرآن)، ۱۱(۴۲) و (۴۳)، ۴۱-۱۸.
- تقوی، محمد. (۱۳۷۶). حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی. تهران: روزنه.
- حقانی، نادر. (۱۳۸۶). نظرها و نظریه‌های ترجمه. چ ۱. تهران: امیرکبیر.
- خزاعی فر، علی. (۱۳۸۴). ترجمه متون ادبی. چ ۱. تهران: سمت.
- درستی، احمد. (۱۳۸۱). مروری بر اندیشه‌های مرزبان بن رستم اسپهبدزاه طبرستانی. مصباح. ۱۱(۴۳)، ۱۲۵-۱۴۷.
- رضایی، مهدی. (۱۳۸۹). مرزبان‌نامه یادگاری از ایران عهد ساسانی، پژوهش‌های ادب عرفانی، ۴(۱)، ۶۸-۴۷.
- _____ (بی تا). تکنیک‌های هفت‌گانه ترجمه. مترجم، ۱(۴)، ۳۷-۴۲.
- _____ (۱۳۷۷). تغییر بیان در ترجمه. مترجم، ۷(۲۷)، ۳-۱۱.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۶). تاریخ ادبیات در ایران. چ ۷. تهران: فردوس.
- صحرائی‌نژاد، فهیمه. (۱۳۸۹). نگاهی دوباره به تعدیل در ترجمه. مطالعات ترجمه، ۸(۳۱)، ۵-۲۴.
- غفرانی‌الخراسانی، محمد. (۱۹۶۵). عبدالله بن المقفع. القاهرة: الدار القومیة.
- غنیمی‌هلال، محمد. (۱۳۷۳). ادبیات تطبیقی، ترجمه سید مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: امیرکبیر.
- فاست، پیتر. (۱۳۹۷). ترجمه و زبان (تبیینی بر پایه نظریه‌های زبان‌شناسی). ترجمه راحله گندمکار. تهران: علمی.
- قزینی، محمد بن عبدالوهاب. (۱۳۱۰). مرزبان‌نامه. بی جا: مطبعه مجلس.
- کمالی، محمدجواد. (۱۳۹۳). اصول فن ترجمه. چ ۵. تهران: سمت.
- کبوتری، جواد. (۱۳۷۵). جلوه‌های شعری در مرزبان‌نامه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شهید بهشتی. تهران: ایران.
- معصوم، سید محمد و کمیلی‌دوست، هایده. (۱۳۸۹). بررسی شیوه‌های معادل‌یابی واژگانی در ترجمه متون تبلیغاتی و تجاری از انگلیسی به فارسی. مطالعات زبان و ترجمه، ۴۲(۲)، ۹۳-۱۱۵.
- ماندی، جرمی. (۱۳۸۹). درآمدی بر مطالعات ترجمه. ترجمه الهه ستوده و فریده حق‌بین. تهران: علم.
- مهدی‌پرور، فاطمه. (۱۳۸۹). نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن. کتاب ماه ادبیات، ۴(۴۱)، ۵۷-۶۳.
- وراوینی، سعدالدین. (۱۳۷۶). مرزبان‌نامه. مقابله و تصحیح و تحشیه محمد روشن. چ ۳. تهران: اساطیر.
- ولی‌پور، واله. (۱۳۸۲). بررسی نظریات معادل‌یابی در ترجمه. متن‌پژوهی ادبی، ۷(۱۸)، ۶۲-۷۳.

References

- Alberto Ortado, A. (2007). *Translation and Its Theories (Introduction to Translation Science)*. Translated by Ali Ibrahim Al-Munufi. Cairo: House of National Books and Documents. [In Arabic]
- Amin, A. (1295 BC). *Duha al-Islam*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
- Bahrani, M. (2005). Translation Theorists. *Journal of Quranic Studies (Special issue of Quran translation)*. 11(42 & 43). 18-41. [In Persian]
- Dorosti, A. (2002). A Review of the Thoughts of Marzban Ibn Rostam Espahbodzadeh Tabarestani. *Mesbah Quarterly*. 11(43). 125-147. [In Persian]
- Fast, P. (1397). *Translation and language (explanation based on linguistic theories)*. Translated by Raheleh Gandamkar. Tehran: Elmi. [In Persian]
- Ghonimi Hilal, M. (1373). *Comparative Literature*. Translated by Seyyed Morteza Ayatollah Zadeh Shirazi. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Ghufrani Al-Khorasani, M. (1965). *Abdullah bin Al-Muqaffa*. Cairo: dar alqumiyah. [In Persian]
- Haghani, N. (2007). *Comments and Theories of Translation*. 1 Edition. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Ibn Arabshah, Sh. (2001). *Fakhat Alkhulafa' W Mufakhat Alzurfa*. Edited and Presented by Ayman Abdel-Jaber Al-Behairy. 1 Edition. Cairo: Arab Horizons House. [In Arabic]
- Kabutari, J. (1996). Poetic Effects in Marzbanameh, Master Thesis in Persian Language and Literature. Shahid Beheshti University. Tehran. Iran. [In Persian]
- Kamali, M. J. (2014). *Principles of Translation*. 5 Edition. Tehran: Samat. [In Persian]
- Khazaeifar, A. (2005). *Translation of Literary Texts*. 1 Edition. Tehran: Samat. [In Persian]
- Mandi, J. (2010). *An Introduction to Translation Studies*. Translated by Elahe Sotoudeh & Farideh Haghbin. Tehran: Alam. [In Persian]
- Mahdiparvar, F. (2010). A Theory of the Emergence of Translation Theories and the Study of the Text Distortion System according to Antoine Berman. *Literature Month Book*. 4(41). 57-63. [In Persian]
- Masoom, S. M., & Kamili Doust, H. (2010). Study of Lexical Equivalence Methods in Translating Advertising and Commercial Texts from English to Persian. *Journal of Language Studies and Translation*. 42(2). 93-115. [In Persian]
- Paul Vinay, J., & Darbelnet, J. (1995). *Comparative stylistics of French and English*. Translated by Juan C. Sager & Marie-Josée Hamel. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Qazini, M. Ibn Abd al-W. (1310). *Marzbannameh*. Majlis Press. [In Persian]
- Rezaei, M. (2010). Marzbannameh Yadegari from Sassanid Iran. *Journal of Mystical Literature Research*. 4(1). 47-68. [In Persian]
- _____. (undated). Seven Translation Techniques. *Translator Quarterly*. 4(1). 37-42. [In Persian]

- _____. (1998). Expression of Expression in Translation. *Translator Quarterly*. 7(27). 3-11. [In Persian]
- Safa, Z. (1987). *History of Literature in Iran*. 7 Edition. Tehran: Ferdows. [In Persian]
- Sahrainejad, F. (2010). A Look Again at Modification in Translation. *Translation Studies*. 8(31). 5-24. [In Persian]
- Taghavi, M. (1997). *Animal Stories in Persian Literature*. Tehran: Rozaneh. [In Persian]
- Varavini, S. (1997). *Marzbannaméh*. Correction and Annotation: Mohammad Roshan. 3 Edition. Tehran: Asatir. [In Persian]
- Valipour, V. (2003). A Study of Equivalence Theories in Translation. *Journal of Literary Text Research*. 7(18). 62-73. [In Persian]

استناد به این مقاله: غفاری، سولماز، مسبوق، سید مهدی، زودرنج، صدیقه. (۱۴۰۰). بازشناسی مؤلفه های دگردیسی در ترجمه ابن عربشاه از مرزبان نامه با تکیه بر الگوی وینه و داربلنه. پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۱(۲۴)، ۹-۳۷. doi: 10.22054/rctall.2021.59673.1548



Translation Researches in the Arabic Language & Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.